

رابطه سبک‌های هویت و دینداری در دانشجویان

مهناز مغانلو^۱، دکتر مریم آگیلار- وفا^{۲*}، دکتر مهرناز شهرآرای^۳

The Relationship Between Identity Styles and Religiosity in Students

Mahnaz Moghanloo^a, Maryam Aguilar-Vafaie^{*b}, Mehrnaz Shahraray^b

Abstract

Objectives: The aim of this descriptive study was to examine the relationships between identity styles of the Berzonsky model and religiosity. **Method:** 359 students (182 males and 177 females) who were selected using a randomized stratified multi-stage method from among undergraduate students of Shahid Beheshti and Tehran universities, were assessed using Berzonsky Identity Styles Inventory (ISI), Islamic Orientation Questionnaire, and the Duriez Post Critical Belief Scale (PCBS). Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and stepwise regression analysis. **Results:** Based on correlation analysis, most religiosity variables were positively related to informational and normative identity styles and negatively related to diffuse/avoidant identity style. Also, stepwise regression analysis showed that religious belief and practice, was predicted by informational and normative identity styles, inclusion of transcendence was predicted by normative and diffuse/avoidant identity styles (negatively) and symbolic processing was positively predicted by informational identity style. **Conclusion:** The positive relation of most religiosity factors with informational and normative identity styles, and their negative relationship with diffuse/avoidant identity styles indicates that these factors belong to a common religious construct

Key words: identity; religious beliefs; morality

[Received: 15 December 2007; Accepted: 16 June 2008]

چکیده

هدف: هدف پژوهش توصیفی حاضر، بررسی رابطه سبک‌های هویت مدل برزنسکی و دینداری بود. **روش:** ۳۵۹ دانشجوی (۱۸۲ مرد و ۱۷۷ زن) که با روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای - چندمرحله‌ای از میان دانشجویان کارشناسی دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی انتخاب شده بودند، به پرسش‌نامه سبک‌های هویت، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی و مقیاس باورهای پس‌انتقادی پاسخ دادند. داده‌ها به کمک ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند. **یافته‌ها:** بیشتر متغیرهای دینداری دو مقیاس با هویت اطلاعاتی و هنجاری ارتباط مثبت و با هویت نامتماز/اجتنابی ارتباط معکوس داشتند. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که باورها و مناسک توسط دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری، اخلاق توسط هر سه سبک هویتی، شمول استعمال توسط دو سبک هنجاری و نامتماز/اجتنابی (به صورت منفی) و پردازش نمادین مذهب تنها توسط هویت اطلاعاتی قابل پیش‌بینی است. **نتیجه‌گیری:** ارتباط مثبت بیشتر متغیرهای دینداری با سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری و ارتباط معکوس آنها با سبک هویت نامتماز/اجتنابی، نشانگر تعلق این متغیرها به یک سازه مشترک دینداری است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت؛ باورها و مناسک؛ اخلاق؛ شمول استعمال؛ پردازش نمادین مذهب

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۹/۲۵؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۳/۲۷]

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس؛ ^۲ دکترای علوم بوم‌شناختی انسان، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس. تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس. دورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۱۷۳۵۰۰ (نویسنده مسئول). E-mail: vafaiesm@modares.ac.ir؛ ^۳ دکترای آموزش و پرورش با گرایش روانشناسی رشد، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس. * Corresponding author: PhD. in Human Environmental Sciences, Associate Prof. of Tarbiat Modares University, Jalale Ale Ahmad Exp. way, Tehran, Iran, IR. Fax: +9821-66973500. E-mail: vafaiesm@modares.ac.ir; ^a MS. in Psychology, Tarbiat Modares University; ^b PhD. in Education, Associate Prof. of Tehran Tarbiat Moalem University.

مقدمه

اریکسون^۱ (۱۹۶۸) بر این باور است که اصلی‌ترین تکلیف تحولی نوجوان، شکل‌دهی هویتی منسجم و تمامیت یافته است. پیامد فرآیند هویت‌یابی توسط مارشیا^۲ (۱۹۶۶) به صورت یک محور دو بُعدی شامل تعهد^۳ و اکتشاف^۴ ترسیم شده است. اکتشاف بدین معنی است که فرد تا چه اندازه ارزش‌ها، باورها و نقش‌های اجتماعی گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد، در حالی که تعهد به کسب مجموعه پایداری از ارزش‌ها و هدف‌ها اشاره دارد. از ترکیب این دو بُعد، چهار وضعیت^۵ هویتی پدید می‌آید: کسب هویت^۶ (اکتشاف و تعهد بالا)، هویت پیش‌رس^۷ (اکتشاف پایین و تعهد بالا)، هویت معوق^۸ (اکتشاف بالا و تعهد پایین) و هویت نامتمایز^۹ (اکتشاف و تعهد پایین). نوجوانان در فرآیند جست‌وجو برای شکل‌دهی هویت خود، به دیدگاهی فردی در مورد مسایل سیاسی، شغلی، فلسفی و مذهبی می‌رسند (اریکسون، ۱۹۶۴، ۱۹۶۸). مذهب بخش مهمی از هویت شخص است و با در اختیار قرار دادن چهارچوب و مبانی ارزشی به فرد کمک می‌کند به زندگی خود معنا و مفهوم ببخشد (علامه جعفری، ۱۳۷۷، به نقل از قربانی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، رویکردهای تحولی بر این نکته تأکید می‌کنند که دین در مراحل گوناگون زندگی، متناسب با طراز تحول روانی - شناختی درک می‌شود (دادستان و همکاران، ۱۳۷۴، به نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۲). بنابراین یک پرسش مهم این است که آیا تحول هویت با اکتساب باورهای مذهبی ارتباط دارد؟ و آیا بحران‌های فردی تجربه شده در فرآیند شکل‌گیری هویت، گشودگی بیشتر به مسایل مذهبی را به دنبال دارد؟ در این زمینه پارکر^{۱۰} (۱۹۸۵) بر این باور است که معمولاً فرد پس از تجربه یک بحران هویتی شدید، اشتغال مذهبی بالایی پیدا می‌کند و تجربه کردن تعارض در فرآیند اکتشاف هویت، تعیین‌کننده اصلی تحول باورهای مذهبی است. اما یافته‌های پژوهش‌های تجربی با نظر پارکر (همان‌جا) تفاوت دارند و رابطه مثبت میان بُعد تعهد هویت و میزان اشتغال مذهبی در بیشتر بررسی‌های تجربی انجام شده در ایران (اثنی‌عشران، ۱۳۷۸؛ جوکار و حسین‌چاری، ۱۳۸۰؛ سلطانی‌فر، ۱۳۸۳؛ نجفی، ۱۳۸۲؛ دهشیری، ۱۳۸۴) و دیگر کشورها (مارک اشتروم^{۱۱}، آدامز^{۱۲}، هافسترا^{۱۳} و داگر^{۱۴}، ۱۹۹۴؛ تزوریل^{۱۵}، ۱۹۸۴؛ ورهون^{۱۶} و هاتسبوت^{۱۷}، ۱۹۹۵؛ مکروس^{۱۸} و مک‌کاب^{۱۹}، ۲۰۰۱؛ هانشرگر^{۲۰}، پرات^{۲۱} و پنک^{۲۲}، ۲۰۰۱؛

ولیوراس^{۲۳} و بوسما^{۲۴}، ۲۰۰۵) تأیید شده است. در برخی بررسی‌ها (مارک اشتروم، ۱۹۹۹) نیز میان ابعاد هویت مذهبی و شاخص‌های اشتغال مذهبی رابطه‌ای به دست نیامده است. بنابراین اگرچه پارکر (۱۹۸۵) انتظار داشت رابطه مثبتی میان بعد اکتشاف هویت و میزان اشتغال مذهبی وجود داشته باشد، بررسی‌های تجربی این موضوع را تأیید نکردند. تمامی این بررسی‌ها بر پایه وضعیت‌های هویت نظریه مارشیا (۱۹۸۰) انجام شده‌اند که اگر چه روایی و پایایی این الگو در بیشتر بررسی‌های تجربی نشان داده شده است (برزونسکی^{۲۵} و آدامز، ۱۹۹۹؛ مارشیا، ۱۹۸۰؛ واترمن^{۲۶} و آرچر^{۲۷}، ۱۹۹۰)، به دلیل نگاه ایستا^{۲۸} و پیامدی^{۲۹} این الگو به هویت، مورد انتقاد نیز قرار گرفته است (کوته^{۳۰} و لوین^{۳۱}، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸؛ وان‌هوف^{۳۲}، ۱۹۹۹). برزونسکی (۱۹۹۰) با توجه به فضای پسامدرنیسم^{۳۳}، سازماندهی منتقدانه نظام باورها را از تکالیف نوجوانان می‌داند و در تلاش برای مفهوم‌سازی تفاوت‌های فردی در تحول هویت - به روش فرآیندی^{۳۴} - سه سبک^{۳۵} پردازش هویت را بیان می‌کند. به نظر او این سبک‌های هویت، در واقع روش‌های پردازش اطلاعات و رویارویی با مسایل هستند که از بحران‌های هویت ریشه می‌گیرند. هم‌چنین این سبک‌ها به‌عنوان نوعی شناخت اجتماعی و روش نظریه‌پردازی درباره خود در نظر گرفته می‌شوند که واقعیت به کمک آن‌ها ادراک و پردازش می‌شود: ۱- نوجوانان دارای سبک هویت اطلاعاتی^{۳۶} درگیر فرآیند خودکاو‌شگری فعال هستند و به جست‌وجو، پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می‌پردازند. این افراد نیاز بالایی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند، کمتر در جست‌وجوی تأیید و تصدیق دیگران هستند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| 1- Erikson | 2- Marcia |
| 3- commitment | 4- exploration |
| 5- status | 6- identity |
| 7- foreclosure | 8- moratorium |
| 9- diffusion | 10- Parker |
| 11- Markstrom | 12- Adams |
| 13- Hofstra | 14- Dougher |
| 15- Tzuril | 16-Verhoeven |
| 17- Hutsebaut | 18- Macros |
| 19- McCabe | 20- Hunsherger |
| 21- Pratt | 22- Pance |
| 23- Vleioras | 24- Bosma |
| 25- Watrman | 26- Berzonsky |
| 27- Archer | 28- static |
| 29- consequent-oriented | 30- Cote |
| 31- Levine | 32- Van Hoof |
| 33- postmodernism | 34- process-oriented |
| 35- style | 36- informational |

هویت اطلاعاتی دارند، محتوای مذهب را به صورت عمیق و معنی دار پردازش کرده، مطابقت محتوای مذهب را با معیارهای شخصی خود منتقدانه مورد بررسی قرار می دهند. ولی نوجوانان دارای سبک هویت نامتمایز/اجتنابی، محتوای مذهب را به صورت سطحی تفسیر می کنند، چرا که احتمالاً این گروه توانایی پایینی در نظم دهی هیجانی^{۱۵} دارند و از پرسش های شخصی و دشوار درباره مذهب پرهیز می کنند. نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری، مذهبی ترند و به یک باور ثابت مذهبی تعهد دارند (برزونسکی، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۳). در پژوهش های انجام شده در این زمینه (دوریز، سوننز^{۱۶} و بایرز^{۱۷}، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶) بین دو سازه رویکرد ولف و سبک های هویت برزونسکی (۱۹۹۰) ارتباطاتی به دست آمده است. بر پایه یافته های این پژوهش ها: ۱- از آن جا که افراد دارای هویت اطلاعاتی به جست و جو و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود می پردازند (همان جا)، به پردازش نمادین و عمیق پدیده های مذهبی گرایش دارند، ولی چون ارزیابی فعالانه عناصر مذهبی لزوماً به قرار گرفتن عناصر مذهبی در بافت هویت فرد نمی انجامد، نمی توان انتظار داشت سبک هویت اطلاعاتی با بُعد شمول استعلا/ طرد استعلا نیز ارتباط داشته باشد. ۲- از آن جا که افراد دارای سبک هویت هنجاری با انتظارات و هنجارهای افراد مهم و گروه های مرجع همنوایی می کنند (برزونسکی، ۱۹۹۰)، انتظار می رود افراد دارای این سبک هویتی، حساسیت و تعلق خاطر بیشتری به مذهب داشته باشند و در نتیجه نمرات بالایی در بعد شمول استعلا به دست آورند. افزون بر آن می توان انتظار داشت میان سبک هویت نامتمایز و بُعد پردازش نمادین مذهب ارتباط منفی وجود داشته باشد. هم چنین می توان پیش بینی کرد میان این سبک هویتی و بُعد شمول استعلا/ طرد استعلا رابطه ای وجود نداشته باشد، زیرا اجتناب از پرسش در مورد مسایل مذهبی لزوماً با شمول استعلا همراه نیست. پیش بینی اخیر در پژوهش دوریز، اسمیتز^{۱۸} و گوسنس^{۱۹} (۲۰۰۷) تأیید شده است.

برخورد با موقعیت های مبهم و افراد جدید، پذیرش بالایی دارند. ۲- نوجوانان دارای سبک هویت هنجاری^۱ به شیوه جزمی و هنجاری عمل می کنند، همواره با تجارب و انتظارات افراد مهم زندگیشان همنوایی کرده، به درون سازی ارزش های گروه های مرجع (مانند یک مکتب مذهبی خاص) تمایل دارند. ۳- نوجوانان دارای سبک هویت نامتمایز/اجتنابی^۲ تا حد امکان از رویارویی با مسایل مربوط به هویت دوری می کنند، رفتارشان بر پایه عوامل موقعیتی و لحظه ای تنظیم می شود و از راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی استفاده می کنند (برزونسکی، ۲۰۰۲). پژوهش ها نشان داده اند افرادی که در وضعیت های اکتساب هویت و هویت معوق قرار دارند، به سبک هویت اطلاعاتی گرایش دارند، افراد دارای وضعیت هویت پیش رس از سبک هویت هنجاری بهره می برند و افراد دارای وضعیت هویت نامتمایز، سبک هویتی نامتمایز/اجتنابی را می پذیرند (برمن^۳، شوارتز^۴، کورتیز^۵ و برمن، ۲۰۰۱؛ برزونسکی، ۱۹۹۲ و ۲۰۰۲؛ برزونسکی و کوک^۶، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵؛ برزونسکی و نیمر^۷، ۱۹۹۴؛ شوارتز، مولیس^۸، واترمن و دانهام^۹، ۲۰۰۰).

شمار محدود پژوهش هایی که ارتباط هویت و دینداری را مورد بررسی قرار داده اند، به دلیل نبود چهارچوب نظری در مورد دو سازه هویت و دینداری، به سختی قابل تفسیرند. در حالی که در کنار هم قرار دادن تئوری سبک های هویت پردازش محور برزونسکی و ابعاد مذهب الگوی ولف^{۱۰} (۱۹۹۷) که هاتسبوت (۲۰۰۰) آن را عملیاتی کرده است و با مقیاس باورهای پسانتقادی^{۱۱} (PCBS) (دوریز^{۱۲} و هاتسبوت، ۲۰۰۵) ارزیابی می شود- می تواند فرضیه های دقیقی در این رابطه ایجاد کند. در نظریه ولف (۱۹۹۷) مذهبی بودن در دو بُعد مطرح می شود: ۱- شمول استعلا/ طرد استعلا^{۱۳} و ۲- پردازش نمادین/لفظی^{۱۴}. او به جای تمرکز بر رفتارهای بیرونی مذهب، فرآیندهای شناختی درگیر در جهت گیری مذهبی را مورد بررسی قرار می دهد. بنابراین، بُعد اول نشانگر مذهبی بودن یا نبودن فرد است و بُعد دوم، سطح پردازش محتوای مذهب (عمیق یا سطحی) را نشان می دهد. به بیان دیگر افرادی که صرفاً بر جنبه های مادی و منطقی استدلال تکیه می کنند، دارای سبک تفکر سطحی و استدلال غیرنمادین هستند و گرایش کمتری به پردازش عمیق محتوای مذهب نشان می دهند (ولف، ۱۹۹۷). نتایج پژوهش های انجام شده در این زمینه نشان می دهد نوجوانانی که سبک

- | | |
|---|--------------------------|
| 1- normative | 2- diffuse/avoidant |
| 3- Berman | 4- Schwartz |
| 5- Kurtines | 6- Kuk |
| 7- Niemeyer | 8- Mullis |
| 9- Dunham | 10- Wulff |
| 11- Post-Critical Beliefs Scale | |
| 12- Duriez | |
| 13- inclusion of transcendence-exclusion of transcendence | |
| 14- symbolic-literal | 15- emotional regulation |
| 16- Soenens | 17- Beyers |
| 18- Smits | 19- Goossens |

با وجود اهمیت آشکار ارتباط هویت و دینداری، پژوهش‌های اندکی با این موضوع در ایران انجام شده است و از این تعداد نیز- تا آن‌جا که بررسی شده- هیچ یک در رابطه با سبک‌های هویت برزونسکی نبوده است. هم‌چنین با وجود این که به باور دوریز و هاتسبوت (۲۰۰۵) ابعاد دینداری نظریه ولف به دلیل پرداختن به جنبه‌های شناختی پدیده دینداری قابل کاربرد در تمام فرهنگ‌ها و کشورهاست، ولی از آن‌جا که این مقیاس تا به حال در ایران به کار برده نشده است، در پژوهش حاضر افزون بر مقیاس باورهای پسانتقادی (همان‌جا)، از مقیاس جهت‌گیری مذهبی اسلامی نیز استفاده شد. بنابراین هدف این پژوهش، بررسی ارتباط سبک‌های هویت برزونسکی و سازه‌های شناختی مذهب و سازه‌های جهت‌گیری اسلامی بود. با این هدف و با توجه به زیربنای نظری و نتایج پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های این پژوهش عبارت بودند از: ۱- سبک هویت اطلاعاتی با پردازش نمادین مذهب ارتباط مستقیم دارد، ۲- سبک هویت هنجاری با شمول استعلا ارتباط مستقیم دارد و ۳- سبک هویت نامتمایز/اجتنابی با پردازش نمادین مذهب ارتباط معکوس دارد.

روش

جامعه آماری این پژوهش توصیفی، دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی سه دانشگاه تهران، علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی بودند، که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی- طبقه‌ای- چندمرحله‌ای نمونه موردنظر انتخاب شد. بدین منظور به ترتیب تعداد دانشجویان سه دانشگاه، نسبت افراد در هر دانشگاه، نسبت افراد در هر یک از دانشکده‌های هر دانشگاه و سپس نسبت دانشجویان تعیین و در پایان با در نظر گرفتن این نسبت‌ها، نمونه موردنظر به تصادف از هر دانشکده انتخاب شد. از میان دانشجویان سه دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران (۲۶۳۹۸ نفر) و شهید بهشتی (۷۸۹۶ نفر) بر پایه حداقل حجم نمونه در جدول مورگان^۱، ۳۵۹ نفر به عنوان نمونه نهایی (۱۸۲ مرد و ۱۷۷ زن) در نظر گرفته شدند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر بهر گرفته شد:

۱- پرسش‌نامه سبک‌های هویت^۲ (ISI): این پرسش‌نامه که توسط برزونسکی (۱۹۸۹) ساخته شد، دارای ۴۰ گویه است؛ یازده گویه به سبک هویت اطلاعاتی (I)، ده گویه به سبک هویت نامتمایز/اجتنابی (DA)، نه گویه به سبک هویت هنجاری (N) و ده گویه به خرده‌مقیاس تعهد (که چون سبک

هویت را نمی‌سنجد، در این پژوهش به کار گرفته نشد) اختصاص دارد. بر پایه طیفی از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» به گویه‌ها پاسخ داده شده، گویه‌های ۹، ۱۱، ۱۴ و ۲۰ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برزونسکی (۱۹۹۷) ضریب اعتبار هریک از خرده‌مقیاس‌های سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز/اجتنابی را به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش کرده است. به دلیل پیچیدگی برخی جمله‌ها، وایت^۳، وامپلر^۴ و وین^۵ (۱۹۹۸) تلاش کردند یک نسخه با جملات ساده‌تر تهیه کنند. آن‌ها برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه تجدیدنظر شده، آن را روی یک نمونه ۳۶۱ نفری دانشجویان اجرا کردند و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ را به ترتیب برای سبک هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز/اجتنابی گزارش کردند. در ایران غضنفری (۱۳۸۲)، به نقل از فارسی‌نژاد، (۱۳۸۳) ضریب آلفای ۰/۶۸ را برای کل نمونه پژوهش خود به دست آورد. هم‌چنین فارسی‌نژاد (همان‌جا) نیز ضریب‌های آلفای کرونباخ ۰/۷۷، ۰/۶۰ و ۰/۶۶ را برای سه خرده‌مقیاس سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز گزارش کرد. برای بررسی اعتبار این پرسش‌نامه، وایت و همکاران (۱۹۹۸) پس از تحلیل عاملی، ضرایب همبستگی بین عوامل را به ترتیب برای سه عامل سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و نامتمایز/اجتنابی ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ گزارش کردند. فارسی‌نژاد (۱۳۸۳) نیز اعتبار سازه این آزمون را توسط روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرارداد، که اندازه کفایت نمونه‌برداری ۰/۷۵ بود. افزون بر آن او برای تعیین مناسب‌ترین عامل، پس از چندین چرخش آزمایشی و با توجه به نمودار اسکری^۶ دریافت که عامل اول با ارزش ویژه نزدیک به ۱۵/۵، به تنهایی ۱۷/۲٪ از واریانس و سه عامل روی هم ۳۲/۲٪ واریانس را تبیین می‌کنند.

۲- پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی: این پرسش‌نامه توسط آذربایجانی (۱۳۸۲) برای سنجش جهت‌گیری مذهبی دانشجویان مسلمان تدوین شده است. آذربایجانی (همان‌جا) برای تهیه این پرسش‌نامه، پس از بررسی آزمون‌های مذهبی خارجی، ابعاد پنج‌گانه آزمون گلاکو^۷ (ولف، ۱۹۹۱، به نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۲) را به عنوان کامل‌ترین مورد شناسایی نمود

1- Morgan
3- White
5- Winn
7- Glocku

2- Identity Styles Inventory
4- Wampler
6- Scree Plot

دیگری (دوریز و همکاران، ۲۰۰۴)، در بررسی همسانی درونی میان دو بُعد مقیاس، ضریب توکرفای را برای بُعد اول ۰/۹۰ تا ۰/۹۸ و برای بُعد دوم ۰/۸۹ تا ۰/۹۸ گزارش کردند که نشانگر اعتبار بالای این مقیاس بود. ساختار درونی این مقیاس و رابطه آن با متغیرهایی از جمله پیش‌داوری^۴، نژادپرستی^۵، تفکر بسته^۶ و پایبندی به ارزش‌ها در دیگر فرهنگ‌ها و گروه‌های مذهبی نیز تأیید شده است. هم‌چنین این مقیاس تا کنون در کشورهای فنلاند، بلژیک، استرالیا، آلمان، پرو، رومانی و آمریکا اجرا شده و ابعاد دو گانه آن تأیید شده است (همان‌جا).

پس از انتخاب آزمودنی‌ها و تشریح هدف‌های پژوهش و جلب همکاری و مشارکت آنان، پرسش‌نامه‌ها بین آن‌ها توزیع شد. برای جلب همکاری و ایجاد انگیزه به آزمودنی‌ها گفته شد نتایج به‌وسیله آدرس پست الکترونیک (برای حفظ رازداری و محرمانه ماندن نتایج) توسط کدی که برای هر فرد روی پرسش‌نامه او تعیین شده است، ارسال خواهد شد. زمان اجرا هیچ محدودیتی نداشت و برای خنثی کردن اثرات سوگیری جنس، پرسش‌گر مرد (دستیار پژوهشگر) برای آزمودنی‌های مرد و پرسش‌گر زن (پژوهشگر) برای آزمودنی‌های زن در نظر گرفته شد. داده‌ها توسط ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی با روش گام به گام تحلیل شدند.

یافته‌ها

از کل گروه نمونه ۶۴/۳۴٪ از دانشگاه تهران، ۷/۷۹٪ از دانشگاه علوم پزشکی تهران و بقیه از دانشگاه شهید بهشتی بودند. ۴۹/۳٪ مرد و ۵۰/۷٪ زن، ۴۹/۲٪ در گروه علوم انسانی، ۲۵/۶٪ در گروه فنی - مهندسی، ۱۰/۸٪ در گروه علوم پایه، ۷/۷٪ در گروه علوم پزشکی و ۶/۶٪ در گروه هنر مشغول به تحصیل بودند. میانگین سنی دانشجویان ۲۱/۷۷ (انحراف معیار ۲/۴۲، دامنه ۳۱-۱۸)، میانگین سنی مردان ۲۲/۵۸ (انحراف معیار ۲/۵۶، دامنه ۳۱-۱۸) و میانگین سنی زنان ۲۰/۹۵ سال (انحراف معیار ۱/۹۴، دامنه ۲۹-۱۸) بود. از کل گروه نمونه ۱۹٪ زیر ۲۰ سال، ۴۷/۶٪ بین ۲۰ تا ۲۲ سال، ۲۶/۲٪ بین ۲۳ تا ۲۵ سال و ۷/۱٪ بالای ۲۶ سال بودند. دامنه سنی گروه نمونه بین ۳۱-۱۸ سال بود، بیشتر افراد (۴۷/۹٪) بین ۲۲-۲۰ سال داشتند و تمام افراد شرکت‌کننده در پژوهش، مسلمان و شیعه بودند (جدول ۱).

و با توجه به آن و هم‌چنین با توجه به آزمون‌های مذهبی داخلی که متناسب با دین اسلام و فرهنگ بومی ایرانی بودند، ابعاد ده‌گانه جهت‌گیری مذهبی اسلامی را بر پایه آموزه‌های اسلامی (آیات و روایات) تدوین و برای هر بُعد، پنج تا ده گویه طراحی کرد. این پرسش‌نامه در ۷۰ گویه تنظیم شده است که به صورت مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت (از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم») نمره‌گذاری می‌شوند. در فرآیند تدوین پرسش‌نامه، چهار گویه از ۷۰ گویه حذف و ۶۶ گویه باقی‌مانده به دو خرده‌مقیاس R_1 (باورها و مناسک) و R_2 (اخلاق) تقسیم شده است. خرده‌مقیاس اول ۴۱ گویه و خرده‌مقیاس دوم ۲۵ گویه دارد. ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۷۹ و ضریب آلفای کل مقیاس ۰/۹۴ و اعتبار محتوای این آزمون بنا به تشخیص ۱۵ نفر کارشناس حوزوی، ۰/۷۷ گزارش شد. برای بررسی اعتبار سازه، این پرسش‌نامه روی سه گروه مستقل حوزه علمیه قم، دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اجرا و میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در سه گروه، در مورد هر یک از عامل‌های R_1 (باورها و مناسک)، R_2 (اخلاق) و R ، دو به دو با هم مقایسه شدند که نتایج تحلیل واریانس و تحلیل شفه، نشانگر اعتبار سازه این مقیاس بود.

۳- **مقیاس باورهای پسانتقادی (PCBS):** هاتسبوت (۱۹۹۷) بر پایه چهارچوب نظری نظریه ولف (۱۹۹۷) به دینداری، مقیاس باورهای پسانتقادی را تدوین کرد. این پرسش‌نامه دارای ۱۸ گویه است که به صورت مقیاس هفت‌درجه‌ای لیکرت از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» پاسخ داده می‌شوند. پرسش‌نامه در دو بُعد شمول استعلا/ طرد استعلا و پردازش نمادین/ لفظی مذهب تنظیم شده است. نمره بالا در بعد اول نشانگر گرایش به پذیرش حقیقت متعالی (شمول استعلا) و نمره بالا در بُعد دوم نمایانگر پردازش نمادین مذهب است. این پرسش‌نامه توسط فانتین^۱، دوریز، هاتسبوت و لوتین^۲ (۲۰۰۰) روی ۱۶ گروه نمونه مجزا ($N=4648$) در بلژیک اجرا شد و بعد از چرخش متعامد، ساختار دو مؤلفه‌ای پرسش‌نامه دوباره تکرار شد. برای بررسی متعامد بودن دو مؤلفه، همبستگی میان آن‌ها ارزیابی شد، که یافته‌ها نشانگر تعامد واقعی دو مؤلفه بود. در بررسی دیگری که توسط فانتین، دوریز، لوتین و هاتسبوت (۲۰۰۳) در سه گروه نمونه مجزا انجام شد، تست اسکری به راه‌حل دو مؤلفه‌ای انجامید. راه‌حل دو مؤلفه‌ای ۰/۲۹، ۰/۳۵ و ۰/۳۷ واریانس را در سه گروه تبیین کرد و ضریب توکرفای^۳ برای دو بُعد، بالای ۰/۹۰ و نشانگر همسانی درونی خوب دو بُعد بود. در پژوهش

1- Fontaine
3- tucker phi
5- racism

2- Luyten
4- prejudice
6- close-mindedness

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه بر حسب دانشگاه محل تحصیل، رشته تحصیلی و جنس

ردیف	دانشگاه محل تحصیل	فراوانی (%)	رشته تحصیلی	مرد		زن		کل
				فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	
۱	تهران	۲۳۱ (۶۴/۳۴)	علوم انسانی	۵۱ (۱۳/۸۱)	۶۱ (۱۷/۱۸)	۱۱۲ (۳۱/۱۹)		
			علوم پایه	۸ (۱۲/۱۶)	۱۳ (۳/۷۲)	۲۱ (۵/۸۴)		
			فنی- مهندسی	۵۵ (۱۴/۸۹)	۲۱ (۶/۰۱)	۷۶ (۲۱/۱۶)		
			هنر	۹ (۲/۴۳)	۱۳ (۳/۷۲)	۲۲ (۶/۱۲)		
۲	علوم پزشکی تهران	۲۸ (۷/۷۹)	علوم پزشکی	۱۵ (۴/۰۶)	۱۳ (۳/۷۲)	۲۸ (۷/۷۹)		
			شهدید بهشتی	۲۶ (۷/۰۴)	۴۲ (۱۲/۰۳)	۶۸ (۱۸/۹۴)		
۳	تهران	۱۰۰ (۲۷/۹)	علوم پایه	۴ (۱/۰۸)	۱۳ (۳/۷۲)	۱۷ (۴/۷۳)		
			فنی- مهندسی	۸ (۲/۱۶)	۷ (۱/۸۵)	۱۵ (۴/۱۷)		
			جمع کل	۱۸۲ (۴۹/۳)	۱۷۷ (۵۰/۷)	۳۵۹ (۱۰۰)		

چرخش پروکراست^۱ شدند که ضریب توکرفای برای بُعد اول ۰/۹۶ و برای بُعد دوم ۰/۹۸ بود. ضریب همبستگی میان دو بُعد، صفر و نشان‌دهنده متعامد^۲ و مستقل بودن دو بُعد بود. میان بُعد اول این مقیاس و دو خرده‌مقیاس پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی اسلامی، باورها و مناسک ($r=0.79, p<0.001$) و اخلاق ($r=0.24, p<0.001$)، همبستگی قوی و مثبت وجود داشت. افزون بر آن همبستگی مثبت میان بُعد دوم این مقیاس با خرده‌مقیاس باورها و مناسک ($r=0.19, p<0.001$) نشانگر اعتبار سازه مقیاس‌های دینداری به کاررفته در پژوهش بود.

نتایج آزمون همبستگی گشتاوری پیرسون (جدول ۲) نشان داد که پردازش نمادین مذهب با سبک هویت اطلاعاتی ارتباط مثبت ($p<0.05$) و با سبک هویت نامتمایز/اجتنابی ارتباط معکوس ($p<0.05$) دارد. بنابراین فرضیه‌های اول و سوم پژوهش تأیید شدند. سبک هویت هنجاری نیز با شمول استعلا ارتباط مستقیم ($p<0.001$) دارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید شد.

نتایج تحلیل عاملی توسط روش تحلیل مؤلفه اصلی روی پرسش‌نامه سبک‌های هویت، سه عامل به‌دست داد که این سه عامل روی هم، ۳۲/۸۵٪ از واریانس کل را تبیین کردند. برای افزایش قابلیت تبیین راه‌حل عاملی، چرخش واریماکس انجام شد. نتایج راه‌حل عاملی و ضریب‌های آلفای کرونباخ برای همسانی درونی برای سه سبک I، DA و N به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۶۹ و ۰/۶۸ بود.

برای بررسی ساختار عاملی پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی، داده‌های به‌دست آمده با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی شدند. به کمک تحلیل مؤلفه اصلی و چرخش واریماکس و آبلیمین، دو عاملی که در پژوهش آذربایجانی (۱۳۸۲) به‌دست آمده بودند، در این بررسی نیز به‌دست آمدند. ضریب‌های آلفای کرونباخ نیز برای دو خرده‌مقیاس R1 و R2 برابر ۰/۹۷ و ۰/۸۱ بود.

برای بررسی ساختار درونی مقیاس باورهای پسانتقادی در این پژوهش، پس از تحلیل عاملی پرسش‌نامه با روش تحلیل مؤلفه اصلی، دو بُعد به‌دست آمد. سپس این دو مؤلفه وارد

جدول ۲- ضرایب همبستگی میان متغیرهای سبک هویت با چهار متغیر باورها و مناسک، اخلاق، شمول استعلا و پردازش لفظی/نمادین

متغیر	باورها و مناسک	اخلاق	شمول استعلا	پردازش نمادین
سبک هویت اطلاعاتی	۰/۳۰**	۰/۴۴**	۰/۱۶**	۰/۱۳*
سبک هویت هنجاری	۰/۵۵**	۰/۲۶**	۰/۴۴***	-۰/۰۳
سبک هویت نامتمایز	-۰/۰۹	-۰/۳۰**	-۰/۱۲*	-۰/۱۲*

* $p<0.05$; ** $p<0.01$; *** $p<0.001$

جدول ۳- تحلیل رگرسیون متغیرهای دینداری از روی سبک‌های هویت

متغیرهای ملاک	متغیرهای پیش‌بین	مدل	SS	df	MS	F	p	R2	B	β	t	p
شمول استعلا	هنجاری	رگرسیون	۷۷/۰۲	۱	۳۸/۵۱	۴۸/۷۵	۰/۰۰۰	۰/۲۱۵	۰/۰۹	۰/۴۴	۹/۴۲	۰/۰۰۱
	باقیمانده		۲۸۱/۱۹	۳۵۷	۰/۷۹							
نامتماز	رگرسیون		۸۲/۳۲	۲	۲۷/۴۴	۳۵/۳۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۰	-۰/۰۲	-۰/۱۲	-۲/۶۱	۰/۰۰۹
	باقیمانده		۲۷۵/۸۹	۳۵۶	۰/۷۷							
پردازش نمادین مذهب	اطلاعاتی	رگرسیون	۱۵/۳۹	۱	۷/۶۹	۷/۹۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۰۲۴	۰/۱۲	۲/۳۰	۰/۰۰۲
	باقیمانده		۳۴۲/۸۲	۳۵۷	۰/۹۶							
باورها و مناسک	هنجاری	رگرسیون	۵۷۷۰۴/۸۷	۱	۲۸۰۸۵۲/۴۳	۹۰/۰۹	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	۲/۴۷	۰/۵۴	۱۲/۷۰	۰/۰۰۱
	باقیمانده		۱۱۴۰۰۱/۸۱	۳۵۷	۳۲/۲۳							
اطلاعاتی	رگرسیون		۵۹۶۶۸/۱۰	۲	۱۹۸۸۹/۳۶	۶۳/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۳۴۸	۰/۴۹	۰/۱۱	۲/۴۹	۰/۰۰۱
	باقیمانده		۱۱۲۰۳۸/۶	۳۵۶	۳۱۵/۶۰							
اخلاق	اطلاعاتی	رگرسیون	۳۵۸۰/۲۵	۱	۳۵۸۰/۲۵	۸۹/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۱	۰/۶۲	۰/۴۴	۹/۴۷	۰/۰۰۱
	باقیمانده		۱۴۲۵۴۰/۰۸	۳۵۷	۳۹/۹۲							
نامتماز	رگرسیون		۴۲۱۰/۵۳	۲	۲۱۰۵/۲۶	۵۵/۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۶	-۰/۲۵	-۰/۱۹	-۴/۰۵	۰/۰۰۱
	باقیمانده		۱۳۶۲۳/۸۰	۳۵۶	۳۸/۲۷							
هنجاری	رگرسیون		۴۵۷۰/۷۲	۳	۱۵۲۳/۵۷	۴۰/۷۷	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶	۰/۲۲	۰/۱۵	۳/۱۰	۰/۰۰۲
	باقیمانده		۱۳۲۶۳/۶۱	۳۵۵	۳۷/۳۶							

بحث

پژوهش حاضر رابطه سبک‌های هویت و دینداری را در چارچوب جهت‌گیری مذهبی اسلامی و ابعاد پردازش مذهب مورد بررسی قرار داد. به‌طور کلی یافته‌ها نشان دادند، بیشتر متغیرهای دینداری با دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه مستقیم و با سبک هویت نامتماز/اجتنابی رابطه معکوس دارند، به‌گونه‌ای که افراد دارای دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری نسبت به افراد دارای سبک هویت نامتماز گرایش بیشتری به دین دارند. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در ایران (اثنی‌عشران، ۱۳۷۸؛ جوکار و حسین‌چاری، ۱۳۸۰؛ سلطانی‌فر، ۱۳۸۳؛ نجفی، ۱۳۸۲؛ دهشیری، ۱۳۸۴) و کشورهای دیگر (مارک‌اشتروم و همکاران، ۱۹۹۴؛ تزوریل، ۱۹۸۴؛ ورهون و هاتسبوت، ۱۹۹۵؛ مکروس و مک‌کاب، ۲۰۰۱؛ هانشرگر و همکاران، ۲۰۰۱؛ ولیوراس و بوسما، ۲۰۰۵؛ دوریز، سوسنز و بیرز، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوسنز، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶) هم‌سو و با مبانی نظری نظریه برزونسکی (۱۹۹۰) و ولف (۱۹۹۷) هم‌خوان است. میزان بالاتر دینداری در دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری نسبت به سبک هویت نامتماز/اجتنابی با تعهدات هویتی متفاوت در

برای بررسی خطی بودن ارتباطات معنی‌دار مشاهده‌شده، تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام به کار برده شد؛ سه سبک هویت به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و چهار متغیر دینداری به‌عنوان متغیرهای ملاک در نظر گرفته شدند (جدول ۳). نتایج نشان دادند که متغیر سبک هویت هنجاری می‌تواند ۲۱/۵ درصد واریانس مربوط به شمول استعلا را تبیین کند ($p < ۰/۰۰۱$ ، $t = ۹/۴۲$ ، $F = ۴۸/۷۵$). بنابراین فرضیه دوم با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون نیز تأیید شد. در مورد متغیر پردازش نمادین مذهب نتایج نشان داد تنها متغیر سبک هویت اطلاعاتی توانایی پیش‌بینی این متغیر را داراست ($p < ۰/۰۰۲$ ، $t = ۲/۳۰$ ، $F = ۷/۹۹$). بنابراین فرضیه نخست پژوهش با تحلیل رگرسیون نیز تأیید شد ولی فرضیه سوم تأیید نشد. افزون بر یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها، نتایج نشان داد دو متغیر باورها و مناسک و اخلاق نیز با سبک‌های هویتی ارتباط دارند، به‌گونه‌ای که باورها و مناسک توسط هویت هنجاری ($p < ۰/۰۰۱$ ، $t = ۱۲/۷۰$ ، $F = ۹۰/۰۹$) و اطلاعاتی ($p < ۰/۰۰۱$ ، $t = ۲/۴۹$ ، $F = ۶۳/۰۲$) و اخلاق توسط هر سه سبک هویت اطلاعاتی ($p < ۰/۰۰۱$ ، $t = ۹/۴۷$ ، $F = ۸۹/۶۶$)، نامتماز/اجتنابی ($p < ۰/۰۰۱$ ، $t = -۴/۰۵$ ، $F = ۵۵/۰۱$) و هنجاری ($p < ۰/۰۰۲$ ، $t = ۳/۱۰$ ، $F = ۴۰/۷۷$) پیش‌بینی می‌شوند.

این سه گروه قابل تبیین است. پژوهش‌های برزونسکی (۱۹۹۷) نشان داده است افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری نسبت به افراد دارای سبک هویت نامتمایز/اجتنابی تعهدات قوی‌تری دارند، به بیان دیگر تعهد به شیوه‌های گوناگون، عملکرد شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تعهد، نشانگر قدرت و روشنی معیارها و باورهای مربوط به خود است. تعهد به هدف‌ها و معیارهای واضح در مورد خود، در نظم‌بخشی رفتار فرد مؤثر است. افراد فاقد دیدگاه ثابت و روشن درباره خود و دنیای خود، دنیا را به صورت یک مجموعه پر آشوب و پیش‌بینی نشده می‌پندارند (برزونسکی، ۲۰۰۳). افراد دارای هویت اطلاعاتی، وظیفه‌شناس و دارای هدف‌های مشخص و روشن هستند (برزونسکی، ۱۹۹۷؛ برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵). از سوی دیگر، افرادی که سبک هویت هنجاری دارند، نیز به وسیله هم‌نوايي با تجربه‌ها و تجویزهای گروه‌های مرجع و افراد مهم زندگیشان به‌طور خودکار ارزش‌ها و باورهای دیگران را بدون ارزیابی آگاهانه درون‌سازی می‌کنند و به آن‌ها متعهد می‌شوند، در حالی که افراد دارای سبک هویت نامتمایز/اجتنابی بر خلاف دو سبک دیگر، خودنظم‌دهی پایینی دارند و رفتارشان بر پایه عوامل موقعیتی و لذت‌طلبی تعیین می‌شود. افزون بر آن، این گروه دارای منبع کنترل بیرونی و راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی و خویشتن‌داری پایین و بدون تعهدات مربوط به هویت هستند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰). با این تبیین که بخشی از تعهدات هویتی هر فرد به حوزه مذهب برمی‌گردد، این یافته‌ها دور از انتظار نبود و به‌طور کلی می‌توان گفت، اگر چه افراد دارای دو سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری به دو شیوه گوناگون آموزه‌های مذهبی را کسب کرده‌اند، هر دو به این محتوا احساس تعهد می‌کنند، در حالی که افراد دارای سبک هویت نامتمایز/اجتنابی دچار تردیدهای دینی و بدون تعهد دینی هستند و با مذهب و آموزه‌های دینی پدر و مادرشان مخالفت می‌کنند. نتایج پژوهشی که بر پایه نظریه ولف (۱۹۹۷) توسط هاتسبوت (۲۰۰۰) انجام شد، نشان داد افرادی که مذهب را به صورت عمیق و نمادین پردازش می‌کنند و به حقیقتی متعالی باور دارند (شمول استعلا)، در مقیاس «تحول من» اریکسون (۱۹۶۸) دارای من منسجم‌تر و قدرتمندتری هستند (هاتسبوت، ۲۰۰۰). بنابراین انتظار می‌رود افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری، که دارای انسجام من بیشتر هستند، افزون بر باورها و مناسک و اخلاق،

در دو بعد شمول استعلا و پردازش نمادین مذهب نیز نمرات بالایی داشته باشند. به‌طور جزئی‌تر یافته‌های این پژوهش نشان داد، تنها سبک هویت اطلاعاتی با پردازش نمادین مذهب ارتباط مستقیم دارد، در حالی که سبک هویت نامتمایز/اجتنابی با پردازش نمادین مذهب ارتباط معکوس دارد. این یافته با نتایج پژوهش دوریز و سوسنز (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) هم‌سو است و با مبانی نظری نظریه برزونسکی (۱۹۹۰) هم‌خوانی دارد. او بر این باور است افرادی که سبک پردازش اطلاعاتی را به کار می‌برند، فعالانه اطلاعات مربوط به خود را جست‌وجو و ارزیابی می‌کنند، پیش از این که به چیزی متعهد شوند درباره مسایل مختلف و راه‌های چندگانه کاوش می‌کنند و نیاز بالایی برای شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند. این ویژگی‌ها فرد را برای پردازش عمیق و معنی‌دار محتوای مذهب مستعد می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت اگرچه گرایش به دینداری و تعهد به ارزش‌های مذهبی در هر دو گروه دارای هویت اطلاعاتی و هنجاری وجود دارد، این تعهد در هر یک از این دو سبک ماهیت متفاوتی به خود می‌گیرد؛ گروه اول پیش از تعهد به ارزش‌های مذهبی، جنبه‌های گوناگون آن را بررسی می‌کنند و به صورت عمیق و آگاهانه به مذهب متعهد می‌شوند، در حالی که افراد گروه دوم، بدون ارزیابی آگاهانه و به صورت انعطاف‌ناپذیر و خودکار به ارزش‌های مذهبی متعهد می‌شوند. از سوی دیگر، نوجوانان دارای سبک هویت نامتمایز/اجتنابی، محتوای مذهب را به صورت سطحی و لفظی (در برابر نمادین) تفسیر می‌کنند، چرا که این گروه، توانایی پایینی در نظم‌دهی هیجانی دارند و از پرسش در مورد پرسش‌های شخصی و دشوار مانند مذهب پرهیز می‌کنند. هم‌چنین این گروه از راهبردهای ضعیف اسنادی و شناختی استفاده می‌کنند. آن‌ها به شیوه عینی استدلال کرده، از حل مسأله و برخورد روشنفکرانه و عمیق با مسایل اجتناب می‌کنند و به محافظه‌کاری و برخورد سطحی با مذهب گرایش دارند. از این رو، گرایش کمتری به پردازش عمیق و نمادین مذهب نشان می‌دهند. بنابراین ارتباط منفی این سبک هویت با پردازش نمادین از این رهگذر تبیین می‌شود. در مجموع بر پایه یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که بررسی مفهوم هویت به صورت یک فرآیند پردازش اطلاعات که دارای جنبه‌های شناختی آشکاری است، به آشکارشدن حقایق تازه‌ای درباره رابطه هویت و دینداری می‌انجامد.

دهشیری، غلامرضا (۱۳۸۴). بررسی رابطه دینداری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد. *مجله تعلیم و تربیت*، ۲۱، ۹۸-۸۷.

سلطانی‌فر، علی (۱۳۸۳). *بررسی ارتباط بین وضعیت‌های هویت و دینداری در دانش‌آموزان و دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت معلم.

فارسی‌نژاد، معصومه (۱۳۸۳). *بررسی رابطه سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه ۲ دبیرستان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران.

قربانی، جعفر (۱۳۸۴). *رابطه جهت‌گیری دینی با صفات عمده شخصیت در آزمون ۱۶ عاملی کتل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی، محمود (۱۳۸۲). *بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت در دانش‌آموزان دختر و پسر در سال تحصیلی ۸۱-۸۲*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.

Berman, A. M., Schwartz, S. J., Kurtines, W. M., & Berman, S. L. (2001). The process of exploration in identity formation: The role of style and competence. *Journal of Adolescence*, 24, 513- 528.

Berzonsky, M. D. (1989). Identity style conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 268-282.

Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. *Advances in Personal Construct Psychology*, 1, 155-186.

Berzonsky, M. D. (1992). *Identity Style inventory (ISI3): Revised version. Unpublished measure*. Cortland, NY.: State University of New York.

Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research*, 12, 347-353.

Berzonsky, M. D. (2002). Identity processing styles, self construction, and personal epistemic assumptions: A social-cognitive perspective. Paper presented in the Workshop "Social Cognition in Adolescence: Its Developmental Significance". *Groningen, the Netherlands*.

Berzonsky, M. D. (2003). The structure of identity: Commentary on Jane Kroger's view of identity status transition. *An International Journal of Theory and Research*, 3, 231-245.

Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). Commentary re-evaluating the identity statuses paradigm still useful after 35 years, *Developmental Review*, 19, 557-59.

پژوهش حاضر از نوع مقطعی بود، بنابراین به دلیل ماهیت تحولی سازه هویت، انجام بررسی‌های طولی در این زمینه می‌تواند ارتباط میان سبک‌های هویت و دینداری را در یک سیر تحولی مورد بررسی قرار دهد. افزون بر آن گروه نمونه این پژوهش، دانشجویان ایرانی ۳۱-۱۸ ساله بودند و بنابراین یافته‌های به دست آمده قابل تعمیم به دیگر قشرها و گروه‌های سنی جامعه نیست. بنابراین انجام پژوهش روی نمونه‌های معرف‌تر، هم‌چنین جمعیت‌های غیردانشجویی می‌تواند تعمیم‌پذیری بیشتری ایجاد کند. به‌ویژه با توجه به زمان شکل‌گیری هویت، انجام پژوهش با آزمودنی‌های اوایل دوره نوجوانی (۱۸-۱۵ ساله) ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین به دلیل پیچیده‌بودن سازه دینداری و دشواری سنجش این سازه، پیشنهاد می‌شود رابطه میان مذهب و هویت با به‌کارگیری دیگر پرسش‌نامه‌های مذهبی و در دیگر مذهب‌ها و فرهنگ‌ها نیز انجام شود. پیشنهاد می‌شود ارتباط سازه‌های دینداری مطرح‌شده در دین‌ها و فرهنگ‌های گوناگون و سازه‌های دینداری اسلامی بررسی شوند، تا از این رهگذر ابعاد مشترک میان ادیان مختلف شناسایی و به‌گسترش پژوهش در روانشناسی مذهب کمک شود.

سپاسگزاری

از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس برای حمایت مالی و مسئولان پژوهش دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی تهران و شهید بهشتی، هم‌چنین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه یادشده که صمیمانه همکاری نمودند، قدردانی می‌شود.

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است.]

منابع

اثنی‌عشران، سهیلا (۱۳۷۸). *بررسی رابطه بین الگوهای خانواده و باورهای مذهبی با هویت‌های پیشرفته، پیش‌رس، آشفته و به تعویق افتاده در نوجوانان شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*. چاپ اول. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جوکار، بهرام؛ حسین‌چاری، مسعود (۱۳۸۰). *بررسی رابطه میزان پایبندی به اعمال عبادی و سبک هویت*. مقاله ارایه‌شده در اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۳۰-۲۷ فروردین.

- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research, 15*, 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity styles, psychological maturation, and academic performance. *Personality and Individual Differences, 39*, 237-247.
- Berzonsky, M. D., & Niemeyer, G. J. (1994). Ego identity status and identity processing orientation the moderating role of commitment. *Journal of Research in Personality, 28*, 425-435.
- Cote, J. E., & Levine, C. (1987). A formulation of Erickson's theory of ego identity formation. *Developmental Review, 7*, 273-235.
- Cote, J. E., & Levine, C. (1988). A critical examination of the ego identity status paradigm. *Developmental Review, 8*, 147-184.
- Duriez, B., & Hutsebaut, D. (2005). A slow and easy introduction to the Post-Critical Belief Scale. Internal structure and external relationships. In D. M. Wulff (Ed.), *Handbook of the Psychology of Religion*. London: Oxford University Press.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2005). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents and middle adolescents. *Journal of Adolescence, 35*, 1-15.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles and religiosity: An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence, 29*, 119-135.
- Duriez, B., Smits, I., & Goossense, L. (2007). The relation between identity styles and religiosity in adolescence: Evidence from a longitudinal perspective. *Personality and Individual Differences, 44*, 1022-1031.
- Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004). Personality, identity styles, and religiosity. An integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality, 72*, 877-910.
- Erikson, E. H. (1964). *Insight and responsibility*. New York: Norton.
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Fontaine, J. R. J., Duriez, B., Hutsebaut, D., & Luyten, P. (2000). Meta-analyses and validation of the Post-Critical Belief Scale Dimensions and Its consequences for the relationships between religiosity and Values. *Journal of Empirical Theology, 10*, 39-54.
- Fontaine, J. R. J., Duriez, B., Luyten, P., & Hutsebaut, D. (2003). The internal structure of the Post-Critical Belief Scale. *Personality and Individual Differences, 35*, 501-518.
- Hunsherger, B., Pratt, M., & Pance, S. M. (2001). Adolescent identity formation: Religious exploration and commitment. *An International Journal of Theory and Research, 1*, 385-397.
- Hutsebaut, D. (1997). Post-Critical Belief Scales: Exploration of a possible developmental process. *Journal of Empirical Theology, 13*, 19-28.
- Hutsebaut, D. (2000). Identity statuses and ego-integration, God representation and religious cognitive styles. *Journal of Empirical Theology, 10*, 39-54.
- Macros, J., & McCabe, M. (2001). Relationship between identity and self-representation during adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 30*, 256-271.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology, 3*, 551-558.
- Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescent. In J. Adelson (Ed.), *Handbook of Adolescent Psychology*, (pp. 158-187). New York: Wiley.
- Markstrom, C. A. (1999). Religious involvement and adolescent psychosocial development. *Journal of Adolescent Research, 22*, 205-221.
- Markstrom, C. A., Adams, C., Hofstra, G., & Dougher, K. (1994). The ego virtue of fidelity: A case for the study of religion and identity formation in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 23*, 453-469.
- Parker, M. S. (1985). Identity and the development of religious thinking. *New Directions for Child Development, 30*, 43-60.
- Schwartz, S. J., Mullis, R. L., Waterman, A. S., & Dunham, R. M. (2000). Ego identity status, identity style, and personal expressiveness an empirical investigation

- of three convergent constructs. *Journal of Adolescent Research*, 15, 504-521.
- Tzuriel, D. (1984). Sex role typing and ego identity in Israeli, oriental and western adolescents. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 440-457.
- Van Hoof, A. (1999). The identity status field re-reviewed: An update of unresolved and neglected issues with a view on some alternative approaches. *Developmental Review*, 19, 497-556.
- Verhoeven, D., & Hutsebout, D. (1995). Identity status and religiosity: A research among Flemish university student. *Journal of Empirical Theology*, 8, 46-64.
- Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28, 397-409.
- Waterman, A. S., & Archer, S. L. (1990). A life-span perspective on identity formation: Developments in form, function, and process. In P. B. Baltes, & D. M. Wulff (Eds.), *Psychology of religion: Classic and contemporary views*. New York: Wiley.
- Wulff, D. M. (1997). *Psychology of religion: Classic and contemporary views*. New York: Wiley.
- White, J. M., Wampler, R., & Winn, K. I. (1998). The identity style inventory: A revision with sixth grade reading level (ISI-6G). *Journal of Adolescent Research*, 13, 223-245.